

بررسی مقایسه‌ای راهبرد ترکیه و عربستان در بحران سوریه

عنایت‌الله یزدانی*

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

عاطفه طحانیان زاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

احسان فلاحی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

چکیده

با پایان جنگ سرد بازیگران منطقه‌ای استقلال عمل لازم را برای رقابت مستقیم در مناطق ژئواستراتژیک کسب کردند. در همین راستا سوریه در دو دهه اخیر بستر مناسبی برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای شده است. با شروع اعتراضات داخلی در سوریه (۲۰۱۱) رقابت مذکور به اوج خود رسید و وارد فاز نظامی شد. اگرچه ریشه‌های داخلی بحران سوریه انکارناپذیر است اما نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تعمیق این بحران قابل توجه است. قدرت‌های منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه در قالب دو جریان مقاومت و سازش جای می‌گیرند. هدف این مقاله بررسی نقش دو بازیگر اصلی جریان سازش (ترکیه و عربستان) در بحران سوریه و پاسخ به این پرسش است که راهبرد ریاض و آنکارا در قبال بحران سوریه چیست؟ «این دو کشور با مداخله در بحران سوریه قصد افزایش نفوذ منطقه‌ای خود را دارند. راهبرد آنکارا- ریاض در عین شباهت‌های راهبردی دارای تفاوت‌های تاکتیکی نیز هست» فرضیه مذکور در قالب نظریه سازه‌انگاری بررسی شده است. مقاله پیش رو به شکل مقایسه‌ای و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی تدوین شده است.

واژگان کلیدی: عربستان، ترکیه، بحران سوریه، بازیگران منطقه‌ای، سازه‌انگاری.

مقدمه

در مارس ۲۰۱۱ موج اعتراضات مردمی ناشی از انقلاب‌های عربی به سوریه رسید و به تدریج بر اثر یک سری عوامل داخلی و خارجی گسترش یافت و به بحرانی تبدیل شد که همچنان ادامه دارد. اگرچه عواملی نظیر نظام اقتدارگرا، فرقه‌گرایی، تبعیض، رکود اقتصادی و فساد مالی و اداری علل ریشه‌ای بحران سوریه را تشکیل می‌دهند، اما عوامل خارجی نیز باعث تشدید و تعمیق بحران شده‌اند. حتی عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آن‌که منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. به تبع این دسته از تحلیل‌گران، نگارندگان این مقاله نیز معتقدند که منشأ داخلی بحران سوریه از اهمیت ثانویه برخوردار است و محرک اصلی جنگ و تطویل بحران در سوریه، مشکلات و معضلات تاریخی میان منافع بازیگران متعارض بین‌المللی است. بازیگران خارجی دخیل در بحران سوریه بسیار متنوع و متکثرند. اتحادیه عرب (قطر، عربستان سعودی و...)، اتحادیه اروپا (فرانسه، آلمان و...)، انگلیس، ترکیه، رژیم صهیونیستی، آمریکا، روسیه، چین و ایران از جمله بازیگران مؤثر در بحران سوریه هستند. ورود این همه بازیگر به صحنه سوریه حکایت از بین‌المللی بودن این بحران و دشواری مدیریت آن دارد.

در یک نگاه منطقه‌ای نقش بازیگران خارجی در بحران سوریه را می‌توان در قالب تقابل دو جریان سازش و مقاومت در صحنه سیاسی خاورمیانه ترسیم کرد. سوریه به دلیل ضدیت با رژیم صهیونیستی در گروه کشورهای موسوم به جریان مقاومت قرار دارد. بدین جهت بحران در این کشور به صحنه رقابت و رویارویی جریان مقاومت و سازش تبدیل شده است. آینده سوریه و قرار گرفتن این کشور در درون هریک از دو جریان فوق باعث تغییر نقشه سیاسی و موازنه قدرت در خاورمیانه می‌شود؛ بنابراین، هریک از طرفین بحران با درک این مطلب سعی در حفظ یا تغییر تحولات سوریه دارند. ترکیه و عربستان سعودی از جمله کشورهای جریان سازش هستند که نقش انکارناپذیری در بحران سوریه ایفا می‌کنند. قرار گرفتن این دو کشور در یک جبهه حاکی از اشتراک نظر ریاض - آنکارا در قبال بحران سوریه است. اما اشتراک نظر مذکور به معنای وحدت رویه کامل آن‌ها در قبال بحران سوریه نیست. به عبارت دیگر، ترکیه و عربستان در بحران سوریه تشابهات استراتژیک و اختلافات تاکتیکی دارند. هرچه بحران سوریه طولانی‌تر می‌شود تفاوت‌های تاکتیکی میان این دو کشور آشکارتر می‌شود و حتی در صورت تطویل بیشتر بحران امکان تسری این تفاوت‌ها به حوزه استراتژیک نیز وجود دارد. به نظر نگارندگان عامل اصلی تفاوت‌های تاکتیکی ریاض و آنکارا بیشتر ناشی از موقعیت و نگاه ژئوپلیتیکی این دو کشور در قبال سوریه است در حالی‌که در شباهت‌های راهبردی میان آن‌ها، ایدئولوژی نقش بیشتری دارد. البته منظور از گزاره فوق «یکسانی ایدئولوژیکی» نیست بلکه «نزدیکی ایدئولوژیکی» است.

عربستان سعودی سلطنت مطلقه با رهبری مذهبی اسلامی است و ترکیه به‌عنوان یک دموکراسی با پشتوانه اسلامی به دنبال سنت کمالیست سکولار خود است. با این حال، منافع این دو کشور در سوریه، به سطحی از همپوشانی رسیده است. عربستان سعودی به دنبال گسترش نقش آفرینی و جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه است. ترکیه نیز گسترش نفوذ در خاورمیانه و اعاده گذشته تاریخی خود را دنبال می‌کند. در این راستا، ترکیه و عربستان سعودی، برای افزایش نفوذ در منطقه خاورمیانه، منافع خود را در به قدرت رسانیدن دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بینند نه دولتی هم‌پیمان ایران و روسیه. با توجه به مطالب فوق مقاله پیش رو تلاش دارد که با استفاده از روش مقایسه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که راهبرد عربستان و ترکیه در قبال بحران سوریه چیست؟ «این دو کشور با مداخله در بحران سوریه قصد افزایش نفوذ منطقه‌ای خود را دارند. اما سیاست‌های آنکارا و ریاض در عین شباهت دارای تفاوت‌های نیز هست.» برای آزمون فرضیه فوق از نظریه سازه‌انگاری استفاده شده است. بدین منظور ابتدا توضیح مختصری راجع به سازه‌انگاری ارائه شده است. سپس شباهت‌های راهبردی ترکیه و عربستان در قبال بحران سوریه بررسی شده است و در قسمت بعدی تفاوت‌های تاکتیکی آن‌ها در قالب چند محور مطرح شده است. در قسمت پایانی نیز بر ساختگی منافع ترکیه و عربستان در قالب نظریه سازه‌انگاری بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

بصیری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا: مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه» در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام این پرسش را مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین علت تداوم و بازتولید گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه چیست؟ در چهارچوب نظریه بازی‌ها و معمای بن‌بست این فرضیه مطرح شده است که منافع متضاد بازیگران و عدم همکاری آن‌ها باعث تداوم و بازتولید تروریسم در عراق و سوریه شده است. در این مقاله نقش چند بازیگر منطقه‌ای از جمله ترکیه و عربستان نیز بررسی شده است. نویسندگان عربستان را پدرخوانده تروریسم تکفیری در سوریه و عراق خوانده‌اند. ترکیه نیز با یک بازی دوپهلوی، از یک‌سو همکاری با ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و از سوی دیگر حمایت و خرید نفت از تروریست‌ها، راهبرد کلان نوعثمانی‌گرایی خود را برای نفوذ در منطقه دنبال می‌کند.

مصلی‌نژاد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای در فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک با عنوان «ژئوپلیتیک هویت و سیاست‌گذاری امنیتی در موازنه منطقه‌ای خاورمیانه» با بهره‌گیری از چهارچوب نظری هویت‌گرایی و با مطالعه موردی بحران سوریه، در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که موضوعات

هویتی چه تأثیری در ماهیت رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه به‌جا گذاشته است؟ نویسندگان به این نتیجه می‌رسد که هویت، ماهیت قدرت و موازنه قدرت منطقه‌ای را در سال‌های ۲۰۰۶ به بعد دگرگون کرده است که نشانه‌های آن را می‌توان در ایفای نقش کشورهای همچون ترکیه و عربستان در بحران‌های منطقه مشاهده کرد.

کوه‌کن و تجری (۱۳۹۳) در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست مقاله‌ای با عنوان «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی ۲۰۱۴-۲۰۱۱» به چاپ رسانده‌اند. نویسندگان در قالب رئالیسم تهاجمی چنین استدلال کرده‌اند که ریاض در بحران سوریه از سیاست خارجی محافظه‌کارانه خود که مبتنی بر صحنه‌گردانی در پشت‌صحنه بوده است فاصله گرفته و دست به مداخله آشکار زده‌اند نویسندگان به این نتیجه می‌رسد که روند مذکور در بلندمدت به نفع عربستان سعودی نخواهد بود.

تاسپینر (Taspinar, 2012) در مقاله‌ای تحت عنوان «بینش استراتژیک ترکیه به سوریه» به بررسی سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با همسایگان می‌پردازد. در این مقاله به این نکته اشاره می‌شود که از سال ۲۰۰۳ تاکنون در ترکیه به‌جای دیدگاه امنیت محور که در مواردی باعث روابط ستیزه‌جویانه با برخی از همسایگان مانند سوریه می‌شد، سیاست به صفر رساندن مشکلات و همکاری دیپلماتیک با کشورهای همسایه در دستور کار خود قرارداد؛ اما با شروع بحران در سوریه، چرخشی در سیاست خارجی کشور ترکیه به وجود آمد و این کشور، سیاست حمایت از مخالفان بشار اسد را در پیش گرفت و خواهان سرنگونی بشار اسد شد.

چهارچوب نظری: سازه‌انگاری

از دیدگاه سازه‌انگاران ارزش‌ها به هنجارها شکل می‌دهند. هنجارها نیز هویت را می‌سازند و هویت‌ها نیز به نوبه خود تعیین‌کننده منافع هستند. هویت دولت دو معنای متمایز دارد، یکی هویت جمعی (Corporate Identity) آن که شامل خصوصیات درونی انسان، مادی و ایدئولوژیک است و دیگری هویت اجتماعی (Social Identity) آن که عبارت است از معنایی که کنشگر در نگاه به دیگران به خود می‌دهد. تأکید و نت به‌عنوان یک سازه‌انگار سیستمی بر نقش مقوم و شکل‌دهنده تعامل اجتماعی بین‌المللی است و سرچشمه‌های جمعی هویت دولتی را از تحلیل خود کنار می‌گذارد. این به معنای آن است که هویت دولت در این نظام شکل می‌گیرد و متحول می‌شود، اما به تأثیر عوامل درونی توجهی نمی‌شود. البته شاخه‌ای دیگر از سازه‌انگاران که به کل‌گرا معروف هستند؛ به ساختارها و فرآیندهای درونی و بین‌المللی به‌عنوان دورویه نظم اجتماعی واحد جهانی توجه دارند. (Price & Reus-Smit, 1998: 263-269) این پژوهش با رویکرد سازه‌انگاران کل‌گرا سازگاری بیشتری دارد.

از منظر سازه‌انگاران نظام بین‌الملل بر اساس کدهای قواعد، هنجارها و ملاحظات مبادله‌ای عمل می‌کند و این‌ها به‌طور دائم از طریق رویه‌های تکراری بازتولید می‌شوند. (Knutson, 1997: 281) بر همین اساس سازه‌انگاران معتقدند که آنا‌رشی همان چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند و به عبارتی به آن شکل می‌دهند. از این‌رو کنش یا واکنش نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که آن‌ها برای کارگزار یا سوژه اجتماعی قائل هستند. در نتیجه در روابط بین‌الملل در مقابل کنش واحدی از سوی دوست و دشمن برخوردهای متفاوتی صورت می‌گیرد چون معنای کنش آن‌ها متفاوت است. (wendt, 1992: 391) به‌عنوان نمونه اقدامات گروه‌های تکفیری در سوریه برای ایران، عربستان و ترکیه معنای کاملاً متفاوتی دارد. در نهایت باید گفت که بین هویت و رفتارهای خاص بازیگران ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. چون هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آن‌ها برداشت خاصی دارد و بر اساس همین برداشت‌ها است که منافع خاصی تولید کرده و تعامل می‌کند. بر اساس دیدگاه سازه‌انگاری نوع و میزان تعامل و تقابل میان کنشگران تا حدود زیادی تابع تفسیری است که از خود و دیگری ارائه شده است. روش این مقاله تحلیلی - مقایسه‌ای است. تحلیل مقایسه‌ای معمولاً سه فرایند توصیف، مقایسه، و نتیجه‌گیری را شامل می‌شود. در پژوهش پیش رو شباهت‌ها و تفاوت‌های سیاست ترکیه و عربستان در قبال بحران سوریه بر اساس این الگو مقایسه شده است.

شباهت‌های راهبردی ترکیه و عربستان در بحران سوریه

ترکیه و عربستان دو قدرت منطقه‌ای هستند که در محور غرب و جریان سازش قرار دارند؛ بنابراین، در بحران سوریه بیشترین شباهت‌های راهبردی را با یکدیگر داشته‌اند که در قالب سه محور بررسی شده است. این سه محور در جدول زیر به‌طور خلاصه آمده است. در ادامه هر کدام از این محورها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱: شباهت‌های راهبردی (استراتژیک) ترکیه و عربستان در بحران سوریه

عربستان	ترکیه	محورهای شباهت
اتحاد با غرب در قالب روابط دو جانبه	اتحاد با غرب در چارچوب ناتو	اتحاد با غرب
برای تقویت خود در میان کشورهای محافظه کار عرب	جهت ورود آسان به خاورمیانه عربی از راه سوریه	نابودی رژیم اسد
حمایت مالی، نظامی و تسلیحاتی با پول‌های نفتی	حمایت تجاری (خرید نفت) و ژئوپلیتیک	حمایت از مخالفان

منبع: نگارندگان

حمایت لجستیک ریاض و آنکارا از مخالفان

از آنجاکه عربستان سعودی فاقد قدرت نظامی و امنیتی لازم برای مداخله مستقیم در سوریه است، از ثروت و درآمدهای نفتی خود برای مسلح کردن معارضین مسلح سوری استفاده می‌کند. عربستان سعودی ضمن تلاش برای تغییر در رژیم در سوریه سعی دارد از این موضوع اطمینان یابد که پس از سقوط دولت حاکم سوریه حکومتی دوست در این کشور شکل خواهد گرفت. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۵۸) بر همین اساس برای اولین بار در ماه ژوئن سال ۲۰۱۲ اولین محموله سلاح عربستان سعودی در مرز ترکیه با سوریه به دست مخالفان سوری رسید. (Phillips, 2015: 4) حمایت عربستان از گروه‌های سوری تا پیش از سال ۲۰۱۳ معمولاً به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت. اما در سال ۲۰۱۳ عربستان سعودی پشتیبانی خود را از گروه ارتش آزاد سوریه به طور رسمی اعلام کرد. پس از تضعیف ارتش آزاد و موفقیت گروه‌های رادیکال، عربستان کمک‌های بیشتری را به سوی این گروه‌ها (جبهه النصره و داعش) روانه کرد. با این حال عربستان همچنان به حمایت‌های خود از ارتش آزاد سوریه ادامه می‌دهد و لابی عربستان سعودی در آمریکا موافقت این کشور برای پایان تحریم تسلیحاتی و ارسال سلاح برای جنگ در سوریه را کسب کرد (Phillips, 2015: 4) از طرف دیگر مناقشات فرقه‌ای در سوریه توسط عربستان سعودی تقویت می‌شود و از هر گروهی که مخالف بشار اسد باشد حمایت‌های مالی عظیمی صورت می‌گیرد (Reese, 2013: 14-19) البته بیشتر این گروه‌ها از مخالفان سنی نظام سوریه هستند. حمایت رسانه‌ای عربستان سعودی از مخالفان و تبلیغات منفی علیه اسد نیز بسیار قابل توجه است.

از اوت ۲۰۱۱ ستاد فرماندهی نظامی ترکیه اقدام به عضوگیری هزاران شورشی جنگجو برای اعزام آن‌ها به سوریه کرده است. ناتو و ترکیه هزاران داوطلب را در کشورهای خاورمیانه برای مبارزه در کنار شورشیان سوری به خدمت گرفته‌اند. گفته می‌شود ارتش آزادی‌بخش سوریه به این داوطلبان اسکان داده و آن‌ها را برای ورود به خاک سوریه و جنگ با نیروهای دولتی آموزش می‌دهد. ترکیه با همکاری عربستان سعودی و قطر یک پایگاه محرمانه ایجاد کرده است که از آن کمک‌های ارتباطی و نظامی را به شورشیان سوری ارائه می‌دهد. (چاساداوسکی، ۱۳۹۱: ۲۶)

ترکیه نقش اصلی را در محاصره سوریه داشته است و بدون ترکیه عملیات اشغال سوریه از درصد پایین موفقیت برخوردار است. از ابتدا ارتش به اصطلاح آزاد سوریه پاسگاه‌ها و سنگرهای خود را در نزدیک مرزهای ترکیه و سوریه در کنار استان هاتای (اسکندرون) مستقر کرد. وقتی سربازان سوری خود را در کنار مرز ترکیه مستقر کردند هوایمای نظامی ناتو و آمریکا حریم هوایی سوریه را نقض کردند این هوایمیا از طریق پایگاه اینجریلینک ترکیه وارد سوریه شد. (التیامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۵)

این‌ها تنها بخشی از حمایت‌های لجستیکی ترکیه از مخالفان اسد پیش از تبدیل بحران به جنگی تمام‌عیار بود. زمانی که قیام سوریه به جنگ داخلی تبدیل شد و اسد نیز در برابر مخالفان مقاومت کرد، ترکیه به گسترش روابط خود با مخالفان بشار اسد پرداخت. پس از تصرف شهرهای بزرگ عراق همچون موصل توسط داعش، نقش ترکیه در شکل‌گیری و تجهیز این گروه تکفیری

دنیا را شگفت زده کرد. در بحران سوریه، ترکیه با ارسال سلاح و فراهم کردن امکانات آموزشی داعش در خاک خود نقش مهمی در شکل گیری و تقویت این گروه داشته است. ترکیه همچنین اجازه حرکت آزادانه اعضای داعش را در طول مرزهای خود با سوریه داده بود و با خرید نفت از داعش کمک فراوانی به این گروه می کرد. از طرف دیگر، حدود ۱۰۰ میلیون دلار از درآمدهای داعش نزد بانک های ترکیه سپرده گذاری شده است. (Hinnebusch, 2015:18)

شرکت در اتحاد با غرب

با آغاز بحران در سوریه، ایالات متحده و عربستان سعودی تصمیم گرفتند با حمایت از مخالفان بشار اسد، ساقط شدن رژیم سیاسی سوریه را تسهیل کنند و به این ترتیب، با از بین بردن حکومت علوی نزدیک به ایران و روی کار آمدن حکومت سنی نزدیک به عربستان سعودی، حلقه های ارتباطی میان ایران و حزب الله قطع شود. به همین دلیل، آمریکا و رژیم صهیونیستی به همراه عربستان سعودی، کمک های همه جانبه خود را به مخالفان اسد آغاز کردند. رژیم صهیونیستی و آمریکا برای مبارزه با محور مقاومت نیازمند هم پیمانی در منطقه هستند تا بتوانند صدماتی جدی به بدنه آن وارد کنند. در این میان، عربستان سعودی به خوبی در راستای تحقق اهداف آن ها عمل کرده است. به دلیل آنکه سیاست تضعیف حزب الله لبنان و تضعیف روابط ایران با سوریه از جمله خواسته های اصلی مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا است بدین جهت تل آویو و واشنگتن از این اقدام دولت سعودی حمایت کرده اند و برخی امکانات خود را در اختیار آن کشور قرار داده اند. (کرمی، ۱۳۹۰: ۹۴) سوریه در حال حاضر گرفتار یک توطئه گروهی از جانب آمریکا، غرب، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است. در این میان عربستان سعودی و ترکیه نیز نقش کاتالیزور را بازی می کنند تا در مواضع منطقه ای به بحران سوریه شدت ببخشند. هدف عربستان سعودی محدود کردن قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که با اهداف رژیم صهیونیستی و غرب همسویی دارد. (گیوه چی، ۱۳۹۱: ۴۴) عربستان سعودی و ایران، مهم ترین بازیگران منطقه به شمار می آیند و از اثرگذارترین کشورهای منطقه اند. در زمینه های استراتژیک و امنیتی، ایران یک قدرت منطقه ای است و از سوی دیگر عربستان سعودی نیز می کوشد با گسترش نفوذ منطقه ای خود به رویارویی با برتری منطقه ای ایران بپردازد. از این رو ایران در سیاست خارجی از استراتژی اتکا به خود، پیروی می کند و به پتانسیل کشورهای منطقه توجه دارد. ولی عربستان سعودی در سراسر تاریخ خود روابطی نزدیک با غرب داشته است. به عبارتی، سیاست خارجی آن کشور در چهارچوب هم پیمانی و همسویی با غرب جای می گیرد. (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۲: ۵۴) بخش عمده ای از سیاست های عربستان سعودی در قبال سوریه دیکته شده توسط آمریکا و غرب است.

ترکیه به‌عنوان پلی بین شرق و غرب، یک کشور استراتژیک برای آمریکا محسوب می‌شود، که امکان برقراری ارتباط با خاورمیانه را برای این کشور فراهم می‌کند. ترکیه یکی از مؤلفه‌های امنیتی مهم برای ناتو به حساب می‌آید. ترکیه با استقرار سامانه دفاع موشکی در خاک خود موافقت کرده است. این کشور در ابتدا به دلیل مخالفت‌های ایران با استقرار این سامانه در کشور خود مخالفت می‌کرد، اما پس از حمایت ایران از بشار اسد در سوریه، آنکارا با این امر موافقت کرد. (Hadley & Albright, 2012: 3) ترکیه همچنان به صورت یک تکه مهم از پازل امنیتی برای غرب محسوب می‌شود. بدین جهت تعهدات امنیتی نسبت به غرب و ایالات متحده دارد. (Briec, 2013: 5) آنکارا در چهارچوب اجرای ستون دوم سیاست خارجی آمریکا برای ایجاد تحولات ساختاری در کشورهای منطقه از جمله سوریه سعی در نزدیکی به مواضع آمریکا و کشورهای همسو داشته است. ورود ترکیه به مناقشه سوریه و همراهی با مخالفان بشار اسد باعث شد تا مخالفان از حمایت ترکیه به‌عنوان کشوری با دموکراسی واقعی در منطقه تجلیل کنند. (شریفی و دارابی‌منش، ۱۳۹۲: ۱۴۲) نحوه برخورد ترکیه با بحران سوریه بیش از آنکه از انگیزه تشویق دموکراسی به‌منزله قدرت نرم ترکیه ناشی شده باشد، برخاسته از همراهی راهبردی ترکیه با غرب به‌ویژه آمریکا است. همسویی و هم‌نوایی سیاست خارجی ترکیه با سیاستی که آمریکا و غرب در منطقه پیگیری می‌کنند به‌خصوص در ارتباط با سوریه کاملاً محسوس است. ترکیه نگرش خود را به شکلی تقسیم‌بندی کرده است که کاملاً از دل آن نگاه غرب به سوریه پدیدار می‌شود. (قلی زاده و کفاش، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶) موضع سیاستمداران ترکیه با حمایت واشنگتن و اروپا تردیدی باقی نمی‌گذارد که دولت ترکیه در طرح غرب علیه سوریه دخالت دارد. این در حالی است که مسئولان ترک، با آغاز بحران سوریه به‌گونه‌ای موضع‌گیری کردند که گویی با چشمان واشنگتن به آن می‌نگرند و این احتمال را تقویت کردند که دولت ترکیه به دلیل رؤیای پیوستن به اتحادیه اروپا، دشمنی با سوریه را عاملی برای جلب رضایت غرب و تحقق خواسته خود دانسته و با تحریک واشنگتن و متحدان آن در قبال سوریه، به تکاپو افتاده و مواضع تندی در قبال آن اتخاذ کرد.

سرنوینی رژیم بشار اسد

ترکیه از پیوستن به ائتلاف ضد داعش در سال ۲۰۱۴ به بهانه به خطر افتادن جان گروگان‌های ترک در دست داعش خودداری کرد. ترکیه نگران این مسئله بود که عملیات ضد داعش می‌تواند توازن قدرت در منطقه را به نفع رقبای منطقه‌ای این کشور یعنی ایران، عراق و نظام اسد تغییر دهد و باهدف قرار دادن داعش رژیم اسد تقویت شود. همچنین اردوغان ادعا می‌کرد که شکل‌گیری داعش جزئی از سیاست‌های اسد بوده است و تا زمانی که او بر سر قدرت است هرگز نمی‌توان با تهدیدات تروریستی این گروه مقابله کرد. او اعلام کرده بود تا زمانی که مسئله بشار

اسد در سوریه حل نشود مسئله داعش نیز حل نخواهد شد. حمایت ترکیه از ائتلاف ضد داعش، مشروط به برکناری رژیم سوریه بود. ترکیه خواستار ایجاد یک منطقه حائل پرواز ممنوع در داخل سوریه برای حفاظت از پناهندگان سوری بود. در حالی که غرب نگران افزایش قدرت داعش پس از سقوط رژیم اسد است اما ترکیه کماکان معتقد بود که پس از اسد یک دولت سنی که مواضع دوستانه‌ای دارد بر سرکار خواهد آمد. (Hinnebusch, 2015: 18-19) روی کار آمدن دولت متحد ترکیه در سوریه، به منزله ارتقای جایگاه ترک‌ها در موازنه قدرت منطقه‌ای است. ترکیه تاکنون در حوزه مدیریت نقش فعالی ایفا نکرده است؛ بنابراین، گسترش نفوذ در نتیجه تغییر رژیم در سوریه می‌تواند ضمن کاهش نقش ایران و محور مقاومت به افزایش نقش ترکیه در منطقه بینجامد که جایگاه منطقه‌ای نوین و مهمی برای ترک‌ها در خاورمیانه رقم خواهد زد (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۰). همان‌گونه که اردوغان گفته است سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه عربی است تا بتواند از راه تغییر در سوریه، موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود ببخشد. به عبارتی دیگر، مهم‌ترین دلیل بازی‌های اخیر ترکیه، خلاص شدن از یک تنگنای شدید جغرافیایی در مرزهای جنوبی است. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

عربستان نیز همانند ترکیه خواستار برکناری اسد از قدرت است و تمام تلاش خود را در این زمینه به کار گرفته است. سعودی‌ها همواره سوریه را به خاطر حمایت از گروه‌های مقاومت که به‌زعم آن‌ها سیاست وضع موجود را به خطر انداخته و مقاومت را در منطقه گسترش می‌دهند، متهم کرده و آن را خطری برای منافع و آینده پادشاهی‌های محافظه‌کار می‌دیدند. ریاض امیدوار است که با سقوط احتمالی دولت اسد بتواند بر روندهای سیاسی در عراق و لبنان به سود سنی‌های این کشورها تأثیر بیشتری بگذارد و شیعیان متحد ایران در این کشورها را به حاشیه براند. به‌ویژه عربستان سعودی باقی ماندن دولت اسد در قدرت را نوعی پیروزی برای ایران تلقی می‌کند؛ بنابراین، با انواع تلاش‌ها و اقدامات می‌کوشد که این دولت را براندازد. سعودی‌ها با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه به این دیدگاه رسیدند که اکنون فرصت طلایی برای تضعیف ایران در خاورمیانه پیش‌آمده و از این طریق می‌توانند به دستاوردی در برابر ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برسند؛ بنابراین، سقوط نظام سیاسی سوریه را در راستای تضعیف ایران و تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌بینند. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۰) عربستان سعودی با اقدامات و سیاست‌های مختلف در سوریه سعی دارد تا محور مقاومت را تضعیف کرده و با تضعیف آن ضمن حذف نقش منطقه‌ای سوریه، موازنه منطقه‌ای را با ایران متعادل کند. عربستان سعودی فکر می‌کند که با سرنگونی اسد یک ضربه به همه هم‌پیمان منطقه‌ای ایران وارد می‌آید و می‌تواند جلوی نفوذ روزافزون ایران را در منطقه بگیرد. در صورت سقوط نظام بشار اسد و روی کار آمدن یک دولت سنی، عربستان سعودی در منطقه وضعیت مساعدی را پیدا خواهد کرد و منطقه بیش از گذشته در جبهه سیاست‌های محافظه‌کاری عربی قرار خواهد گرفت؛ بنابراین، در صورتی که این گزاره‌ها

عملیاتی شود، بازیگری عربستان سعودی بیش از گذشته تداوم خواهد داشت و در واقع به احیای نقش در حاشیه رفته عربستان سعودی در سال‌های اخیر، به خصوص بعد از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ کمک زیادی خواهد کرد.

تفاوت‌های تاکتیکی ترکیه و عربستان در بحران سوریه

ظاهراً هرچه بحران سوریه به پایان خود نزدیک‌تر می‌شود راهبرد ترکیه و عربستان بیشتر از یکدیگر فاصله می‌گیرد. تفاوت تاکتیکی ریاض - آنکارا در قالب ۶ محور زیر بررسی شده است. که در قالب جدول زیر به تصویر کشیده شده است. در ادامه هر کدام از این موارد به تفصیل بررسی شده است.

جدول ۲: تفاوت‌های گاهبردی (تاکتیکی) ترکیه و عربستان در بحران سوریه

عربستان	ترکیه	محورهای اختلاف نظر
مخالفت شدید با حضور اسد در فرآیند انتقالی	عدم مخالفت با حضور اسد در فرآیند انتقالی	فرآیند انتقالی
عدم حساسیت به این موضوع	جلوگیری از شکل‌گیری اقلیم کردی	مسأله کردها
تطویل بحران	خاتمه سریع‌تر بحران	زمان خاتمه بحران
حکومت مبتنی بر اندیشه سلفی‌گری	ترجیحاً حکومت سکولار یا سنی اعتدالی	نظم جایگزین
فقدان حساسیت به حضور روسیه	حساسیت ژئوپلیتیکی به حضور روسیه	نقش روسیه
خواهان حذف کامل نقش ایران در سوریه	قائل شدن نقش حداقلی برای ایران	نقش ایران

منبع: نگارندگان

اختلاف در مورد جایگاه اسد در فرآیند انتقالی

دولت ترکیه در اوایل ناآرامی‌های داخلی سوریه بر حل دموکراتیک مسائل تأکید داشت. طی ملاقات دو جانبه داوود اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه و مقامات سوری، ترکیه تلاش کرد بر گزینه اصلاحات در سوریه تأکید کند. دولت ترکیه طی ماه‌های ژوئیه و اوت ۲۰۱۱ تلاش کرد بشار اسد برنامه اصلاحات خود را اعلام و بر موضوعات مورد نظر ترکیه همچون لغو قانون حکومت اضطراری، اجازه به مخالفان برای تشکیل احزاب سیاسی و راه‌اندازی گفت‌وگوی ملی توجه کند. اما دولت ترکیه بعد از مدتی کوتاه و همسو با سیاست‌های غرب‌گرایانه و منفعت‌محور خود به این نتیجه رسید که اراده‌ای جدی برای انجام اصلاحات در سوریه وجود ندارد یا بشار نفوذ لازم در ساختار سیاسی سوریه برای پیشبرد و محقق ساختن اهداف مزبور را ندارد. (Phillips, 2012: 5) مهم‌تر از همه، ترکیه جنس تحولات سوریه را متفاوت از تحولات انقلابی جهان عرب نمی‌داند و بر این اعتقاد است که در نهایت، نیروهای معترض پیروز خواهند شد. با این حال ترکیه بیم آن دارد که با برکناری سریع بشار اسد گروه‌های افراطی مخالف به قدرت برسند و این با هدف ترکیه مبنی بر ایجاد یک حکومت سکولار دموکرات در سوریه همخوانی

ندارد. زیرا در صورت قدرت گرفتن گروه‌های افراطی-سلفی در سوریه احتمال کشیده شدن تنش‌ها به خاک ترکیه نیز وجود دارد؛ بنابراین، در این راستا دولت ترکیه پیشنهاد برگزاری انتخابات با حضور همه گروه‌های سوری را ارائه داده است تا بتوان از طریق آرای حکومت آینده سوریه را تعیین کرد. اردوغان اخیراً اعلام کرده است که «فرایند گذار بدون اسد امکان‌پذیر نیست» یعنی بشار اسد می‌تواند در مرحله انتقالی به‌عنوان بخشی از راه‌حل بحران سوریه قلمداد شود. رسانه‌ها این موضع‌گیری اردوغان را به‌عنوان تغییر جهت آنکارا نسبت به حکومت بشار اسد تلقی می‌کنند. این موضع اردوغان بعد از این اعلام شد که آقای جان کری بیان داشته بود که بشار اسد باید کنار برود اما نه فوراً، بلکه بعد از یافتن راه‌حل برای پایان جنگ در سوریه.

برخلاف موضع‌گیری آنکارا، عربستان سعودی اصرار دارد که اسد نباید نقشی در مرحله انتقالی سوریه داشته باشد و از همان ابتدای کار باید از قدرت کناره‌گیری کند. آمریکا و دیگر کشورهای غربی نیز پیش‌تر چنین خواسته‌ای داشتند. اما در پی پیشروی‌های ارتش سوریه علیه داعش که با پشتیبانی حملات هوایی روسیه صورت می‌گیرد از مواضع اولیه خود عقب نشستند. باوجوداین عربستان سعودی کماکان برکناری اسد از قدرت را پیش‌شرط ضروری برقراری صلح در این کشور می‌داند. این امر به دلیل مواضع سوریه در قبال عربستان سعودی است. عربستان سعودی هیچ‌نگاه مساعدی به نظام سوریه بعد از حافظ اسد نداشته است. سوریه همواره به‌عنوان سدی در برابر زیاده‌خواهی‌های سعودی در جهان عرب ایستاده است. تقابل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دمشق - ریاض حوزه‌های نفوذ مشترک را عرصه‌ای برای رقابت دو کشور کرده است. بدین ترتیب بحران سوریه فرصت خوبی را برای عربستان سعودی فراهم کرد تا با سقوط اسد، سیاست‌های محافظه‌کارانه عربی خویش را در موضعی برتر قرار دهد. وزیر امور خارجه عربستان سعودی اعلام کرده است که تروریست‌های داعش تنها زمانی شکست خواهند خورد که رئیس‌جمهور سوریه برکنار شود. عادل الجبیر در نشست امنیتی مونیخ در آلمان ادعا کرد بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه «آهن‌ربایی مؤثر برای جذب افراط‌گرایان و تروریست‌ها در منطقه» است و بازگرداندن ثبات به منطقه منوط به برکناری وی است. وی افزود: «این هدف ماست و به آن خواهیم رسید. تا زمانی که در سوریه تغییر ایجاد نشود، داعش شکست نخواهد خورد.»

تفاوت در مورد مسئله کردها

پاسخ ترکیه نسبت به بحران سوریه در حقیقت متأثر از رویکرد این کشور نسبت به مسئله کردها است. (Tziarras, 2012: 138) ترکیه بیش از هر کشور دیگری در منطقه جمعیت کرد دارد و رقباى آن می‌توانند از برگ برنده کردها برای تضعیف یا بی‌ثباتی ترکیه استفاده کنند. ترکیب پیچیده قومی و مذهبی سوریه و احتمال تجزیه آن، رهبران ترکیه را در مورد شکل‌گیری وضعیتی مشابه کردستان عراق (یعنی تشکیل یک اقلیم خودمختار) در سوریه نگران کرده است. این

موضوع سبب تحریک بیشتر کردهای ترکیه می‌شود و مشکلات امنیتی ترکیه را دوجندان می‌کند. (Walker, 2012:1-2) بنابراین، در این مورد برای کاهش ناامنی و رسیدن به اهداف خود، از مذاکرات منطقه‌ای خارج از چهارچوب ناتو استفاده می‌کند. (Tziarras, 2012:138)

بحث اعلام خودگردانی کردهای سوریه، به شدت مقامات آنکارا را مورد تهدید قرار داده است. با توجه به پیوندی که کردهای ترکیه و سوریه دارند، اعلام خودمختاری می‌تواند روند حل و فصل مسئله کردی را با اختلال مواجه و همچنین فعالیت کردهای مخالف ترکیه را در شهرهای سوریه تشدید کند. برپایی اردوگاه‌های مشترک میان پ.ک.ک و کردهای شمال سوریه می‌تواند آینده سیاسی اردوغان را به خاطر اتخاذ سیاست‌های نادرست در قبال دمشق با چالش مواجه سازد. زیرا اردوغان با پشتیبانی از مخالفان سوریه، عملاً فضای مساعدی برای اتحاد احزاب مخالف کرد در هر دو کشور مهیا کرد و این امر می‌تواند بیش از پیش مخالفت احزاب داخلی را علیه اردوغان برانگیزد. به همین دلیل اردوغان برای کنترل کردها ناچار به تغییر مواضع خود در قبال سوریه شده است. (Cook, 2014: 2) ترکیه به دلیل افزایش تنش‌ها با جدایی طلبان کرد و تهدید امنیت ملی، در ابتدا به حمایت از داعش پرداخت. اما در نهایت با فشار سایر کشورها به صف مخالفان داعش پیوست. با وجود این امتناع ترکیه از کمک به کوبانی و جلوگیری از قتل عام مردم کوبانی توسط داعش خشم اروپا و آمریکا را برانگیخت که نتیجه آن مخالفت غرب با پیشنهاد کسب یک کرسی در شورای امنیت توسط ترکیه بود. (Hinnebusch, 2015:19) هدف اصلی ترکیه در سوریه در حال حاضر مهار کردهای این کشور و جلوگیری از تجزیه سوریه و شکل‌گیری دولت کردی است؛ بنابراین، مقابله با کردهای سوریه چراغ راهنمای سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه است. ترکیه هرگونه اقدام کردهای سوریه در راستای اعلام استقلال این مناطق را تهدیدی علیه امنیت خود قلمداد می‌کند. ایجاد منطقه مستقل در شمال سوریه بر عمق استراتژیک کردها از غرب سوریه تا شرق عراق می‌افزاید و موازنه قدرت میان دولت ترکیه و کردها را بر هم می‌زند؛ بنابراین، ترکیه هرگونه خودمختاری و فدرالیسم کردی در سوریه را به شدت نفی می‌کند به همین جهت علیه کردها در شمال سوریه دست به اقدام نظامی زده است.

اما عربستان سعودی هرچند موضع شفاف و روشنی در خصوص فدرالیسم کردی اتخاذ نکرده است. اما به طور غیرمستقیم می‌توان استنتاج کرد عربستان سعودی در مورد تشکیل اقلیم کردنشین یا دولت خودمختار در سوریه برخلاف ترکیه از حساسیت بالایی برخوردار نیست. عربستان سعودی در بحران سوریه در زمینه فراهم آوردن صلح در این کشور نقش تخریبی ایفا می‌کند و سیاست مستقل و خاصی ندارد. آل سعود به نیابت از آمریکا در منطقه و سوریه به ایفای نقش می‌پردازد و متوجه خطر تجزیه و تأثیر آن بر کشور خود نیست. عربستان سعودی در بحران سوریه تنها به منافع خودش می‌اندیشد و خواهان کناره‌گیری بشار اسد از قدرت است تا در سایه برکناری بشار اسد از قدرت به اهداف منطقه‌ای خود از جمله کاهش نقش ایران در سوریه، عراق

و لبنان دست یابد؛ بنابراین، شکل، فرم و اندازه سوریه و همچنین جایگاه کردها برای ریاض اهمیت ندارد.

اختلاف موضع در مورد زمان خاتمه بحران

درگیری و هرج و مرج در سوریه ترکیه را با تهدیدات بسیاری مواجه می‌کند. ترکیه نگران تهدید امنیت و ثبات کشور خود است؛ بنابراین، تمایل به مداخله در نزاع سوریه دارد. زیرا ترکیه از نظر فرهنگی، قومی، مذهبی و نژادی شباهت‌های بسیاری با سوریه دارد و به‌ویژه در حوزه قومی و فرقه‌ای ترکیه پتانسیل‌های ایجاد درگیری‌های داخلی و جدایی طلبانه را دارد؛ بنابراین، سرایت بحران و ناامنی‌های کنونی سوریه تهدیدی برای همه کشورهای هم‌جوار و منطقه محسوب می‌شود. ترکیه که دستاوردهای ملی و مناسبات رو به بهبود خود با سوریه را فدای بلندپروازی و خوش خدمتی‌های حزب عدالت و توسعه به غرب کرده خود آسیب‌پذیرترین کشور در این رابطه است. (یزدان پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۰۳). با ادامه جنگ داخلی در سوریه روزانه صدها شهروند سوری کشته یا به کشورهای همسایه از جمله ترکیه گریخته‌اند. ترکیه طراحی و ایجاد پناهگاه‌هایی امن در مناطق خاصی از سوریه را برای جلوگیری از ورود شمار زیادی از آوارگان را جزء سیاست‌های خود در قبال آینده بحران سوریه در نظر گرفته است. (Mahfudh, 2012: 74) مسئله دیگری که بسیاری آن را خطر جدی برای ترکیه ارزیابی می‌کنند رشد افراطی‌گری در منطقه است. به‌هرحال، ترکیه در همسایگی سوریه (مرکز تروریست‌ها و اسلام‌گرایان افراطی، القاعده و سلفی‌ها) واقع شده است و هیچ تضمینی وجود ندارد که این رادیکالیسم به درون مرزهای ترکیه نیز سرایت نکند. گسترش تروریسم در منطقه، به‌خصوص ورود گروه‌های تروریستی مختلف مانند القاعده به سوریه در بلندمدت به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه خواهد بود. (نجات، ۱۳۹۲: ۱۸۶) در واقع خاتمه بحران سوریه و به قدرت رسیدن اهل تسنن در سوریه می‌تواند بسیاری از مشکلات ترکیه را که با شکل‌گیری بحران سوریه به وجود آمده است خاتمه دهد. مهم‌ترین دستاورد برای دولت ترکیه بازگشت آوارگان سوری است که مشکلات اقتصادی و امنیتی زیادی برای دولت ترکیه به وجود آورده است؛ بنابراین، ترکیه به دلیل هم‌مرزی با سوریه و نگرانی از گسترش درگیری‌های سوریه به خاک خود و همچنین موضوع پناهندگان خواستار حل و فصل فوری این بحران است. اما بدون همکاری‌های بین‌المللی و حضور همه طرف‌های درگیر در مذاکرات رسیدن به یک‌راه حل اساسی برای پایان بحران غیرممکن به نظر می‌رسد. اگرچه ارائه یک‌راه حل اساسی که مورد پذیرش ایران و روسیه و همه طرف‌های درگیر باشد دشوار خواهد بود.

عربستان سعودی به‌عنوان یک بازیگر مهم در صحنه سوریه بیشتر به دنبال رسیدن به اهداف خود در سوریه است. حتی فراتر از این ریاض با بحران سازی در سایر مناطق از بحران‌های داخلی

خود را به تعویق می‌اندازد. به عبارت دیگر، ریاض در پرتو بحران در سایر مناطق از جمله در سوریه و یمن است که وحدت داخلی خود را حفظ کرده است. این کشور به دلیل نداشتن مرز مشترک با سوریه نگران ورود آوارگان سوری یا سرایت درگیری‌ها به داخل مرزها و تهدید امنیت ملی خود نیست؛ بنابراین، تمام تلاش خود را برای برکناری بشار اسد و برقراری یک حکومت مطلوب آل سعود خواهد کرد و به نظر می‌رسد تا محقق نشدن اهداف خویش تمایلی به پایان درگیری‌ها در سوریه ندارد. در صورتی که کشور ترکیه به علت داشتن مرز مشترک با سوریه، در کانون بحران قرار می‌گیرد؛ اما عربستان سعودی فاقد چنین حساسیت جغرافیایی نسبت به بحران است؛ بنابراین، ترکیه خواستار سریع حل بحران است اما عربستان سعودی به دلیل نداشتن مشکلات مشابه عجله‌ای در اتمام بحران ندارد و بیشتر با عینک ایدئولوژیک به بحران سوریه نگاه می‌کند.

اختلاف نظر در مورد نظم جایگزین در سوریه

ماهیت رویکرد عربستان سعودی در قبال درگیری‌های داخلی در سوریه بیشتر تشدید شکاف شیعه - سنی و کاهش قدرت و نفوذ ایران در منطقه است. جای تعجب نیست که در سال ۲۰۱۵ پادشاه عربستان سعودی در اشاره به تهدیدات ایران بیان کرد که تلاش ایران برای افزایش نفوذ و قدرت خود در منطقه باعث بی‌ثباتی و به خطر افتادن امنیت منطقه می‌شود، که همین امر باعث افزایش درگیری‌های فرقه‌ای و ایجاد یک محیط مناسب برای افراط‌گرایی و تروریسم است؛ بنابراین، با شناخت هرچه بیشتر سیاست‌های عربستان سعودی در قبال سوریه و بهار عربی می‌توان به این نتیجه رسید که عربستان سعودی بیشتر به دنبال ثبات و بقای رژیم آل سعود است. (Costa, 2015:31) به عبارت دیگر، رژیم آل سعود از طریق صدور بحران به بیرون از مرزهای خود اعتراضات داخلی‌اش را کنترل می‌کند. از اصلی‌ترین دلایل عربستان سعودی برای مداخله در سوریه و تقویت جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی‌گردد. در مقطع اخیر سلفی‌ها به نوعی حامل گفتمان اسلام‌گرایی افراطی هستند. در واقع عربستان سعودی حامل این گفتمان، می‌تواند بسترساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد. عربستان سعودی با استفاده از این فاکتور در تلاش است تا با نشان دادن تقابل شیعی و سنی و حمایت از اکثریت سنی ضمن مهار مخالفان داخلی و حفظ همبستگی میان آن‌ها، حمایت خود را از سنی‌های سوریه ابراز دارد. امری که به دولت عربستان سعودی اجازه می‌دهد تا اعتبار مذهبی خود را به مخالفان داخلی‌اش نشان دهد. (Al-Rasheed, 2012: 1) حمایت‌های مالی و تسلیحاتی که ریاض از مخالفان در سوریه می‌کند، همگی تلاشی است برای تقویت و روی کار آوردن سنی‌هایی که

در خلأ قدرت موجود در سوریه همراهی خود را با عربستان سعودی نشان داده‌اند. (Kamel, 2011: 1)

از سوی دیگر، ترکیه نیز تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه یک سیاست خارجی دوگانه نسبت به خاورمیانه دارد که اغلب خصوصیات داخلی برخی رژیم‌های منطقه و خصوصاً موضوع حقوق بشر را نادیده می‌گیرد و در عوض روی تقویت روابط تجاری تأکید دارد. اما با ظهور جنبش‌های آزادی‌خواه در کشورهای عربی، منجر به برتری ملاحظات دموکراتیک بر تعاملات اقتصادی آنکارا در خصوص برخی کشورهای عربی شد و ترکیه تلاش کرد با بازبینی سیاست خارجی خود به‌عنوان قهرمان دموکراتیک شناخته شود. (ازغندی و صولت، ۱۳۹۱: ۵۰) دیدگاه ترکیه در مورد بیداری اسلامی بر اساس این ایده است که کشورهای منطقه به‌سوی دموکراسی حرکت خواهند کرد و این امر اجتناب‌ناپذیر است. در راستای این ایده، ترکیه اقدام به پشتیبانی و حمایت از خواسته‌های مردم کشورهای عرب کرده و تأکید می‌کند که این خواسته‌ها، ارزش‌هایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشرند که ترکیه به آن‌ها اعتقاد دارد. (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

در همین راستا یکی از مهم‌ترین فرصت‌های پیش روی آنکارا، مطرح‌شدن جدی الگوی دموکراسی ترکیه در سوریه است. ترکیه به دنبال این است که خود را به‌عنوان یک الگوی موفق در میان کشورهای عربی نشان دهد. ترکیه در حقیقت میزبان و حامی گروه‌های مخالف سوری است نه فقط به دلیل هم‌پیمان شدن با این گروه‌ها بر ضد رژیم سوریه، بلکه به دلیل ایجاد یک حکومت دموکراتیک در این کشور از این گروه‌ها پشتیبانی می‌کند. مقامات ترکیه به‌منظور جلوگیری از افزایش خشونت‌ها در این کشور یا میانجیگری در میان مخالفان و حکومت سوریه روابط خود را با مخالفان سوریه حفظ کرده‌اند و در این راه از تمام تفاسیر سیاسی و مصلحت-گرایانه استفاده خواهند کرد. پس بدیهی است که اکنون ترکیه با حمایت از گروه‌های مخالف سوری، در صورت سقوط بشار اسد، خواهان استقرار رژیم مشابه مدل ترکیه یعنی همان اسلام لیبرال، در این کشور است.

تفاوت رویکرد در قبال ایران

سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران به‌شدت تحت تأثیر مؤلفه هویت، انگاره‌ها، هنجارها و قواعد ناشی از آن بوده است. این کشور، ایران را «دیگری» خود دانسته و دولتی می‌داند که در همه عرصه‌های دینی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نه‌تنها رقیبی مهم بلکه چالشگری جدی است. از این رو تلاش می‌کند تا مانع بهره‌وری بهینه از منابع و امکانات منطقه‌ای و بین‌المللی و به فعلیت رسانیدن ظرفیت‌های ملی، انقلابی و ارزشی ایران شود. (منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۹۵)

رویارویی عربستان سعودی با ایران در طول سه دهه گذشته، به‌رغم وقفه‌های کوتاه، از واقعیت‌های پایدار در منطقه بوده است. «گراهام فولر» Graham Fuller در این زمینه

می‌نویسد: «ریاض امروزه جوایای به تصویر کشیدن ایران به‌عنوان مرکز تهدید نوینی است که علیه پادشاهی عربی وجود دارد. نه به این دلیل که فارس است بلکه بالاتر از آن به دلیل آن‌که شیعه است.» (به نقل از احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۸۷) عربستان سعودی معتقد است که در سال ۲۰۱۳ ایران خود را نه تنها به‌عنوان رهبر شیعیان بلکه به‌عنوان رهبر انقلابیون مسلمان به تصویر کشیده است. (Costa, 2015: 9) افزایش نفوذ ایران در منطقه علاوه بر کاهش قدرت عربستان در منطقه به تضعیف پایه‌های مشروعیت آل سعود به‌عنوان رهبر مسلمانان خواهد شد.

به‌جز انقلاب در لیبی و سوریه در اکثر قیام‌های عربی، عربستان سعودی مواضع خود را در خطر می‌دید و به‌شدت با این قیام‌ها مخالفت می‌کرد. مناقشه و درگیری دو بلوک ایران و عربستان به سوریه رسیده است. (Kuru, 2015: 107) عربستان سعودی به‌طور مشخص سوریه را از دریچه رقابت‌های منطقه‌ای با ایران (مهار الگوی نفوذ معنوی ایران) نگاه می‌کند و در واقع برای مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح شده بود، در مقابل نظام اسد گام برمی‌دارد. عربستان سعودی دامنه تهدیدات بر ضد جایگاه منطقه‌ای خود را بعد از بیداری اسلامی گسترده‌تر می‌بیند و نزدیکی گروه‌های مقاومت و سوری به ایران را به‌منزله برهم خوردن تعادل منطقه‌ای و به حاشیه رفتن سیاست‌های سعودی می‌داند؛ بنابراین، عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی-عربی تلاش دارد تا موقعیت ایران در سوریه را تضعیف کند و برای محدودسازی قدرت ایران در خاورمیانه از گروه‌های معترض در سوریه حمایت می‌کند. به عقیده ریاض، سقوط نظام اسد می‌تواند نقش سوریه در حمایت از گروه‌های مقاومت در سطح منطقه را کاهش دهد و موازنه منطقه‌ای برهم‌خورده پس از تحولات جهان عرب را نیز متعادل کند. با برکناری دولت شیعه در سوریه و روی کار آمدن یک حکومت سنی، عربستان می‌تواند توازن بین شیعه و سنی را در منطقه به نفع خود تغییر دهد. (Miller, 2012: 5) در همه جای جهان عرب، ایران و عربستان سعودی در مقابل یکدیگر قرار داشته‌اند و هر جا که قدرت ایران افزایش یافته است عربستان سعودی احساس می‌کند که قدرتش محدود شده است و بالعکس. سوریه نیز از این امر مستثنی نیست. به‌طوری‌که این بحران در کنار سایر مسائل حاشیه‌ای باعث قطع روابط ایران و عربستان شده است.

ترکیه نیز همچون عربستان سعودی به دنبال بهبود جایگاه خود در منطقه است. یکی از اهداف استراتژیک ترکیه این است که در تأسیس نظام امنیتی منطقه‌ای نقش رهبری را بر عهده بگیرد. بدین منظور به دنبال ایجاد یک بلوک جایگزین در مقابل ایران و عربستان است. با شروع بهار عربی، ترکیه درصدد بود تا از فرصت پیش‌آمده برای افزایش نفوذ خود در منطقه استفاده کند. اما با تمام تدابیر صورت گرفته ترکیه قادر به ایجاد یک بلوک جایگزین برای بلوک‌های ایران و عربستان نشد. بلوک ایران به دلیل وجود کشورهای ایران، عراق و سوریه به‌عنوان یک تهدید برای ترکیه به حساب می‌آید. زیرا این کشورها مرزهای جنوب و جنوب شرقی این کشور را

احاطه کرده‌اند و روابطی نیز با پ.ک.ک دارند. (Kuru, 2015: 108) ایران و ترکیه نگرانی‌هایی عمیقی نسبت به نیت یکدیگر در منطقه دارند. ایران ترکیه را متهم می‌کند که با همکاری کشورهای غربی در صدد است حکومت اسد را ساقط و از تحولات منطقه سو استفاده کند تا رؤیای نوع‌ثمنی‌گری خود را محقق سازد. آنکارا نیز نگران است که تهران تحولات را در جهت منافع خود و برخلاف منافع ترکیه و غرب پیش ببرد. رقابت ترکیه با ایران که با خروج آمریکایی‌ها از عراق شروع شده بود در بحران سوریه شدت بیشتری یافت. (حاجی مینه، ۱۳۹۳: ۶۷) علی‌رغم اختلافات موجود مقامات ترکیه معتقدند که «اگرچه بحران سوریه موجب فروپاشی کل روابط ایران و ترکیه نشده است، اما نشانه‌ها و انعکاس‌های منفی آن در روابط ترکیه و ایران دیده می‌شود. اما با وجود تفاوت دیدگاه در بحران سوریه، گفت‌وگو و مذاکره می‌تواند ادامه داشته باشد و طبیعتاً روابط ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی خارج از موضوع سوریه، فرهنگی و اقتصادی ادامه دارد. ترکیه در روابط سیاسی خود با ایران با حسن نظر عمل می‌کند». همچنین، عمق روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور بر این موضوع (بحران سوریه) سایه می‌اندازد. بالاخره، این بحران سپری خواهد شد و چیزی که می‌ماند، روابط دو کشور است که آن‌ها آینده روابط خود را از دست نخواهند داد. (احمدی و قربانی، ۱۳۹۳: ۳۷) تعداد شرکت‌های تازه تأسیس ایرانی در ترکیه از ۴۱۹ شرکت در سال ۲۰۰۶ به ۱۸۶۴ شرکت در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است که یکی از دلایل افزایش روابط ایران و ترکیه است. همچنین دو حامی اصلی بشار اسد یعنی ایران و روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گاز به ترکیه‌اند. (Kuru, 2015: 108-109) بنابراین، با وجود این تنش‌ها و جنگ نیابتی بین ایران و ترکیه بر سر سوریه، روابط آنکارا-تهران همچنان ادامه دارد.

تفاوت رویکرد در قبال روسیه

روسیه یکی از مهم‌ترین طرفداران اسد به شمار می‌آید. روسیه همچنین دارای یک پایگاه نظامی در سوریه است و روابط اقتصادی و نظامی فراوانی با این کشور دارد. مهم‌تر اینکه، روسیه برخی از متحدان خود را در منطقه از دست داده است و تمایلی به از دست دادن سوریه به‌عنوان یک متحد منطقه‌ای ندارد. علاوه بر این، پوتین از جایگزین شدن یک حکومت سنی در سوریه به‌جای اسد به شدت نگران است. زیرا این امر باعث افزایش نفوذ عربستان و ترکیه در بین مسلمانان قفقاز شمالی و چین خواهد شد. (Miller, 2012: 3) از نگاه روس‌ها تحولات سوریه می‌تواند تعادل قوا و توازن قوا در خاورمیانه را به هم بزند و به هم خوردن این توازن قوا به زیان روسیه است چراکه اگر این توازن به هم بخورد ممکن است ایران را در مسائل لبنان و فلسطین و عراق محدود کند و در واقع ایران خود آماج فشارهای بعدی قرار بگیرد و نهایتاً این فشارها در موضوعات مربوط به دریای خزر، قفقاز جنوبی، قفقاز شمال و آسیای مرکزی سرریز بشود و نقش ترکیه و عربستان سعودی در این فضا، یعنی در فضای خاورمیانه گسترش پیدا کند و طبیعتاً این افزایش

نقش در مسائل قفقاز هم می‌تواند تأثیر جدی داشته باشد. (منصوری، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۱۸۲) با آغاز تحولات سوریه، ترکیه و روسیه مواضع متفاوتی اتخاذ کردند. روسیه از ابتدا بر گفت‌وگوی مخالفان با نظام بشار اسد و حل مسالمت‌آمیز بحران و خودداری از بین‌المللی کردن آن تأکید داشت. در حالی که ترکیه به حمایت از مخالفان سوریه رو آورده و رفته‌رفته با شدت گرفتن بحران در این کشور، اسد را به کناره‌گیری از قدرت فراخواند. با وجود این اختلافات، ترکیه به دلیل کنترل دو تنگه مهم بسفر و داردانل، موقعیت ژئوپلیتیکی و بازار آن برای روسیه اهمیت فراوان دارد. روسیه نیز در نزد ترکیه از جایگاه مهمی برخوردار است. روسیه به دلیل داشتن قدرت نظامی برجسته در منطقه با زرادخانه‌های بزرگ تسلیحاتی، منابع طبیعی فراوان و تکنولوژی از اهمیت خاصی در سیاست خارجی ترکیه برخوردار است. همچنین سیاست‌های ترکیه مبنی بر عادی‌سازی روابط با همسایگان باعث افزایش و بهبود روابط بین ترکیه و روسیه پس از پایان جنگ سرد شده است. (Bagci, 2009: 7) به‌عنوان مثال روسیه بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه در تأمین گاز طبیعی و نفت برای این کشور محسوب می‌شود. حمایت مسکو از دولت دمشق به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد. اما شاید مهم‌ترین موضوع، به نگرانی از به هم خوردن معادلات و شرایط ژئوپلیتیک منطقه و آسیب‌پذیری منطقه جنوبی روسیه در حوزه دریای سیاه و دسترسی به دریای مدیترانه باشد. روس‌ها برای حفظ جایگاه استراتژیک خود در دریای مدیترانه از نقش کلیدی سوریه به‌خوبی آگاه هستند. در این رابطه نقش پایگاه نظامی طرطوس اهمیت می‌یابد. این پایگاه از آن جهت اهمیت دارد که در سواحل مدیترانه و نزدیک به ترکیه است؛ بنابراین، سوریه همواره از جایگاه استراتژیکی برای روسیه برخوردار بوده است. در مقابل ترکیه نیز برهم خوردن ساختارهای سنتی خاورمیانه بخصوص در دو کشور عراق و سوریه را فرصت مغتنمی برای خود شمرد تا با یک سیاست تهاجمی به استقبال حوادث رفته و وضعیت موجود را به نفع خود در راستای احیای تفکر (نوعثمانی) تغییر دهد.

حساسیت‌هایی که ترکیه در قبال روسیه دارد برای ریاض محلی از اعراب ندارد. فاصله جغرافیایی عربستان و روسیه تنش مستقیم میان این دو کشور را در سوریه کاهش داده است. عربستان، بیش از آنکه در چهارچوب رقابت‌های منطقه‌ای به روسیه نگاه کند ترجیح می‌دهد که از زاویه دید آمریکا و بر اساس رقابت میان این دو قدرت بزرگ جایگاه روسیه را در سیاست خارجی خود تعیین کند. حتی با توجه به رویکرد ایدئولوژیک سعودی‌ها، ریاض افزایش نفوذ روسیه در سوریه را به شرط کاهش نفوذ ایران خواهد پذیرفت؛ بنابراین، جنس نگرانی ترکیه و عربستان در قبال روسیه کاملاً متفاوت است و همین مسئله باعث نزدیکی بیشتر آنکارا به مسکو شده است. در حالی که ریاض شدیداً به سیاست‌های واشنگتن در منطقه و سوریه متعهد است.

برساختگی منافع عربستان و ترکیه در بحران سوریه

تئوری سازه‌انگاری معتقد است که منافع برساخته می‌شود کنشگران بر اساس هویتی که برای خود تعریف می‌کنند با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و منافی را برای خود می‌سازند؛ بنابراین، منافع کنشگران مانند هویت آن‌ها از قبل تعیین شده نیست؛ بلکه در فرآیند تعامل و تقابل واحدها شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، در اثر تعامل یا تقابل مذکور است که هویت خود و دیگری به عنوان دوست یا دشمن شکل می‌گیرد. عربستان سعودی و ترکیه هویت خود را به عنوان دو قدرت منطقه‌ای می‌شناسند که توانایی دخالت در کشورهای بحرانی منطقه را دارند. این تعریف هویت برای عربستان بیشتر ابعاد ایدئولوژیک و برای ترکیه بیشتر ابعاد ژئوپلیتیک دارد. البته رگه‌های از ایدئولوژی در هویت ترکیه و رگه‌های از ژئوپلیتیک نیز در هویت عربستان یافت می‌شود.

عربستان سعودی در تعریف هویتی، خود را قدرت منطقه‌ای و رهبر جهان اسلام می‌داند و تلاش می‌کند تا تأثیرگذاری خود را در گستره جهان اسلام افزایش دهد. حکام عربستان سعودی از یک طرف لازمه حضور مقتدرانه خویش در منطقه را در اتحادی عمیق با آمریکا می‌دانند و از طرف دیگر خود را رهبر جهان اهل تسنن معرفی می‌نمایند که وظیفه دارد در مقابل ایران شیعی مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری کند. بر اساس تعریف مذکور عربستان سعودی منافی را برای خود تعریف کرده و دنبال می‌کند که جوهره اصلی آن گسترش نفوذ ریاض و جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه و ایجاد حکومتی دست‌نشانده در سوریه است.

ترکیه بر اساس تعریفی که از هویتش دارد، خود را یک قدرت منطقه‌ای تلقی می‌کند که موقعیتی ژئواستراتژیک دارد؛ بنابراین، منافعش را بر این اساس تعریف می‌کند. در این میان بحران سوریه می‌تواند نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه را گسترش داده و بالطبع این کشور را تبدیل به قدرت عمده منطقه‌ای کند. در این راستا ترکیه برای دسترسی به خاورمیانه و افزایش نفوذ در این منطقه، منافع خود را در وجود دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بیند. در نهایت ترکیه گسترش نفوذ در خاورمیانه و اعاده گذشته تاریخی خود را دنبال می‌کند. در این میان جایگاهی که ایران در سوریه دارد هویت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان و ترکیه را به چالش می‌کشد. بدین جهت محدود کردن نفوذ ایران، فصل مشترک انگیزه‌های (منافع) بازیگران فوق در بحران سوریه است. بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران منافع امری از پیش تعیین شده نیستند و ممکن است در جریان تعاملات و تقابلات پیش روی تغییر یابند. در جریان بحران سوریه منافع دو کشور ترکیه و عربستان به تدریج از یکدیگر فاصله گرفته و تفاوت‌های آن‌ها نیز برجسته شده است. تفاوت‌های گاهبردی (تاکتیکی) و شباهت‌های راهبردی (استراتژیک) ترکیه و عربستان در نمودار درختی زیر به طور خلاصه نشان داده شده است.

نمودار ۱: مقایسه سیاست ترکیه و عربستان در بحران سوریه



منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

با گسترش موج بیداری در کشورهایمانند تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین وقایعی در کشور سوریه نیز رخ داد که در نظر اول، حاکی از سرایت موج بیداری اسلامی به این کشور بود. ولی با نگاهی عمیق‌تر به جزئیات این قیام‌ها تفاوت‌های اساسی آن با موج بیداری اسلامی کاملاً آشکار می‌شود. یکی از مشخصه‌های بارز و منحصربه‌فرد بحران سوریه، حضور پررنگ و پرتعداد بازیگران خارجی است که هرکدام به دنبال منافع و مقاصد خود هستند که تحلیل و پیش‌بینی آینده سیاست و حکومت در این کشور را با پیچیدگی خاصی مواجه کرده است. در بعد منطقه‌ای بازیگران دخیل در بحران سوریه را می‌توان در قالب دو جریان سازش و مقاومت تقسیم‌بندی کرد. مهم‌ترین بازیگران جریان سازش، ترکیه و عربستان هستند. این مقاله با هدف بررسی رویکرد دو کشور مذکور در قبال بحران سوریه این پرسش را مطرح کرد که راهبرد عربستان و ترکیه در قبال بحران سوریه چه بوده است؟ در پاسخ احتمالی این فرضیه مطرح شد که «آنکارا و ریاض با مداخله در بحران سوریه قصد افزایش نفوذ منطقه‌ای خود را دارند. راهبرد آنکارا- ریاض در عین شباهت دارای تفاوت‌های نیز هست.»

ترکیه و عربستان به‌عنوان مهم‌ترین بازیگران محور سازش نقشی تخریبی در بحران سوریه ایفا کرده‌اند. اما با توجه به مجاورت جغرافیایی و شباهت‌های قومی- مذهبی، دغدغه‌های امنیتی ترکیه در قبال سوریه بیشتر از عربستان است. به همین جهت با تطویل بحران سوریه و امکان اشاعه پیامدهای آن به کشورهای همسایه، آنکارا از نقش تخریبی خود فاصله گرفته است و

همین امر تفاوت‌های ترکیه و عربستان در قبال سوریه را پررنگ‌تر کرده است. اگرچه ترکیه و عربستان هر دو سنی‌مذهب و در محور سازش قرار دارند اما تفاوت در ساختار سیاسی این دو کشور امری انکارناپذیر است. همین موضوع باعث وزن سنگین‌تر ایدئولوژی در رویکرد عربستان و اهمیت بیشتر ژئوپلیتیک در رویکرد ترکیه شده است. بر اساس رویکرد سازه‌نگاری می‌توان رفتار دولت‌ها را با توجه به قالب ذهنی آن‌ها تفسیر کرد. نظام ذهنی، باورها و هنجارها بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها تأثیرگذار است. اینکه هر دولتی هویت ملی و ارزش‌ها و علایق فرهنگی و فکری خود را چگونه توصیف می‌کند در تعیین روند حرکت سیاست خارجی آن کشور تأثیرگذار خواهد بود. ترکیه و عربستان سعودی با تعریفی که از هویت خود و هویت کشور سوریه دارند، منافع را برای خود در بحران سوریه تعریف می‌کنند که فصل مشترک آن‌ها جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه است. با توجه به هویت ساخته‌شده و منافع تعریف‌شده، این دو قدرت وارد تقابل با سوریه شده‌اند و نفوذ و مداخله در این کشور را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. اما نکته حائز اهمیت این است که کشورهای دخیل در بحران سوریه طیفی از منافع را برای خود اولویت‌بندی کرده‌اند. جایگاه این منافع ممکن است در طول بحران تغییر کند. به خطر افتادن امنیت داخلی ترکیه، رو در روی روسیه قرار گرفتن و کودتای ناموفق در ترکیه تا حدودی باعث تغییر رویکرد آنکارا و فاصله گرفتن از ریاض شده است. اما این هرگز به معنای تغییر بنیادین سیاست‌های ترکیه در قبال سوریه نیست بلکه بیشتر چرخشی تاکتیکی است. اما همین چرخش تاکتیکی تفاوت‌های گاهبردی ریاض و آنکارا را آشکار کرده است.

کتاب‌نامه

الف - فارسی

۱. احمدی، حمید؛ قربانی، فهیمه، (۱۳۹۳)، «تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۳، صص ۷-۴۴.
۲. احمدیان، حسن؛ زارع، محمدزارع؛ (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره دوم، صص ۷۵-۹۸.
۳. ازغندی، علیرضا؛ صولت، رضا، (۱۳۹۱)، «رابطه ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۵، صص ۴۷-۶۴.
۴. اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۰، صص ۱۴۷-۱۷۸.
۵. التیامی‌نیا، رضا، (۱۳۹۲)، «تبیین نقش قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم‌انداز پیش‌رو»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۹۴.

۶. بصیری، محمدعلی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان، (۱۳۹۵)، «بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹، صص ۵۱-۷۱.
۷. چاساداوسکی، مایکل، (۱۳۹۱)، «جنگ انسانی علیه سوریه»، ماهنامه بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۲۴-۲۵.
۸. حاجی مینه، رحمت، (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۴-۱۹۷۹) با تأکید بر مفاهیم دوگانه امنیت»، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره ۳، صص ۴۵-۷۴.
۹. شریفی، مجید؛ دارابی‌منش، مریم، (۱۳۹۲)، «راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۵۰.
۱۰. قلی‌زاده، ابراهیم؛ کفاش، محمدرضا، (۱۳۹۲)، «پیامدهای سیاسی-امنیتی افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۹، صص ۱۰۷-۱۳۴.
۱۱. کرمی، کامران، (۱۳۹۰)، «بهار عربی و عربستان سعودی: آثار و واکنش‌ها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۷۹-۹۸.
۱۲. کوه‌کن، علیرضا؛ تجری، سعید، (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۴ تا ۲۰۱۱)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۰، صص ۱۱۳-۱۲۸.
۱۳. گیوه‌چی، ناصر، (۱۳۹۱)، «رژیم صهیونیستی در سوریه به دنبال چیست؟»، پیام انقلاب، شماره ۵۷، صص ۴۴-۴۵.
۱۴. مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود، (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۳، صص ۱۳۷-۱۶۲.
۱۵. مصلی‌نژاد، عباس، (۱۳۹۳)، «ژئوپلیتیک هویت و سیاست‌گذاری امنیتی در موازنه منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره ۲، صص ۷۰-۹۸.
۱۶. منصوری، محمدحسین، (۱۳۹۲)، «بررسی مواضع و اهداف روسیه در بحران سوریه»، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۱، صص ۱۷۵-۱۹۵.
۱۷. نجات، سید علی، (۱۳۹۲)، «استراتژی ترکیه در قبال بحران سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۱)»، فصلنامه پژوهش‌های علوم انسانی، شماره ۲۵، صص ۱۸۱-۱۹۷.
۱۸. نجات، علی، (۱۳۹۳)، «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، صص ۶۳۱-۶۵۵.

۱۹. نیاکویی، امیر؛ بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۹۷-۱۳۶.
۲۰. یزدانی، عنایت‌الله؛ شیخون، احسان، (۱۳۹۲)، «بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش‌یابی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس (با تأکید بر تئوری سیبرنتیک)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۳، صص ۵۳-۷۰.

ب- انگلیسی

21. Al-Rasheed, Madawi (2012), "Saudi Arabia and Syria: logic of dictators", **Open Democracy**, 20 March.
22. Bağcı, Hüseyin (2009), "Changing Geopolitics and Turkish Foreign Policy", **Annales universitatis mariae curie-sk ł odowska lublin – polonia**, Vol. XVI, No. 2.
23. Brieck, Jennings R, (2013), "Turkey and Saudi Arabia: A Comparative Arab Spring", Available at: <http://www.sandiego.edu/cas/documents/polisci/BrieckPOL596paper.pdf>, Accessed on: 1 August 2016.
24. Cook, Steven A. (2014), "Fiddling while Kobane Burns", Foreign Policy, Available at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2014/10/07/fiddling_while_kobani_burns_turkey_islamic_state, Accessed on: 4 March 2016.
25. Costa, Francisco Freitas (2012), **Riyadh Against the Spring: Shaping perceptions in the Middle East?**, Thesis, Leiden University, MA International Relations, supervisor: Dr. Maaïke Warnaar,
26. Hadley, Stephen J. and Albright, Madeline (2012), "**U.S. Turkey Relations: A New Partnership**". Council on Foreign Relations, Independent Task Force Report, No. 69.
27. Hinnebusch, Raymond (2015), "Back to Enmity, Turkey-Syria Relations Since the Syrian Uprising", **Journal of German Orient Institute**, Vol. 56, No. 1.
28. Kamel, Ayham (2011), "Saudi Arabia and Iran set to jockey for position in Syria", **Foreign Policy**, Available at: <http://foreignpolicy.com/2011/08/11/saudi-arabia-and-iran-set-to-jockey-for-position-in-syria/>, Accessed on: 25 June 2016.
29. Knutsen, Torbjorn. L (1997), **A History of international Relation Theory**, Manchester & New York: Manchester University press.
30. Kuru, Ahmet (2015), "Turkey's Failed Policy toward the Arab Spring: Three Levels of Analysis", **Mediterranean Quarterly**, Vol. 26, No. 3.
31. Mahfudh, Aqeel (2012), **Syria and Turkey: a turning point or a historical bet?**, Arab Center for Research and Policy Studies.
32. Miller, Aaron (2012), "Everything in Syria Is Going to Plan: It just depends on whose plan you're talking about". **Foreign Policy**, Available at: http://www.foreignpolicy.com/articles/2012/06/13/everything_in_syria_is_going_to_plan, Accessed on: 23 October 2015.

33. Phillips, Christopher (2015), Gulf Actors and the Syria Crisis, **Middle East Centre, London School of Economics and Political Science**.
34. Price, Richard & Reus-Smit, Christian (1998), “Dangerous Liasons? Critical International Theory and Constructivism”, **European Journal of International Relations**, Vol. 4, No. 3.
35. Reese, Aaron (2013), “Sectarian and Regional Conflict in the Middle East”, **ISW, Institute for the Study of War**, Middle East Security Report, No. 13.
36. Taspinar, omer (2012), Turkey’s Strategic Vision and Syria, **The Washington Quarterly**, Vol. 35, No. 3.
37. Tziarras, Zenonas (2012), “Turkey’s Syria Problem: A Talking Timeline Of Events”, **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 11, No. 3.
38. Walker, Joshua (2012), “Turkey’s Time in Syria: Future Scenarios”, **Brandeis University, Crown Center for Middle East Studies**, No. 63.
39. Wendt, Alexander (1992), “Anarchy is what State make of it: The Social Construction of power politics”, **International Organization**, Vol. 46, No. 2.